

به اعضاي « جبهه متحد ضد امپرياليسم و ارتجاع - افغانستان

رفقا و دوستان؛

چنانچه بخاطر داريم ، در آخرين نشست « جبهه... » که دو هفته قبل برگزار گرديد، ضمن بررسي کارها و امور دروني « جبهه... » و تحليل از اوضاع و رويداد هاي افغانستان، هم چنان و بطور مشخص مسئله طيف هاي شناخته شده روشنفکري نيز مورد غور و مذاقه قرار گرفت که افراد شان در همسويي و همکاري با ارتجاع بر سر اقتدار در کابل و حاميان امپريالستي اشغالگر آن، اينک تا سطح بالاترين ارگان هاي قدرت دولتي مثل کابينه و مشاور شخص کرزي، ارتقا نموده اند. اين مسئله البته براي « جبهه... » هيچگاهي غير مترقبه نبوده است، برعکس « جبهه... » همچو موقعيتي را ، چنانچه تحليل هاي « قطب نما » بدان گواهي ميدهند، از همان آغاز پيش بيني نموده بود.

در نشست دو هفته قبل همچنان مسئله ديدار عده ديگري از همين طيف هاي شناخته شده روشنفکران با سفير امريکا درکابل که خبر آن را راديوي بي. بي. سي هم پخش نموده بود، مورد بحث قرار گرفت.

در پاسخ به اين سوال که آيا ديدار و ملاقات با سفير امريکا در کابل و همکاري با دولت دست نشانده کرزي را ، يك عمل خائنه فردي بايد تلقي کرد، يا يك سياست آگانه و تسليم طلبانه گروهی ضد انقلابي و ضد منافع علياي ملي؟ ارزيابي رفقا صراحتا بر اين نکته تکیه داشت که تحولات بسيار آشکار و علني مورد نظر، نه فقط عمل و ابتکار فردي خود سرانه افراد تشنه جاه ، مال و مقام، بلکه بيان يك سياست ديرينه و تسليم طلبانه گروهی و نتیجه منطقي آن نيز ميباشد، مگر اينکه جماعتي که افراد مورد نظر به آنها منسوب هستند، با موضع گيري علني و آشکارخويش، نه تنها عمل و حرکت آنها را در همکاري با امپرياليسم و دولت دست نشانده کابل ، قاطعانه محکوم ، و خط فاصل خويش با ايشان را رسما و عملا ترسيم نمايند، بلکه همچنان موضع خويش در قبال اشغال افغانستان بدست امپرياليست هاي اشغالگر و ارتجاع بر سراقدر در کابل را رسما و علنا به مردم اعلام نمايند ، که در غير آن، خود اين جماعات هم بمثابه نيروي ذخيره امپرياليسم و ارتجاع در خارج از کشور و براي انجام وظيفي در اين ساحت، مطمحن نظر قرار خواهند گرفت.

گذشت زمان و سير قانونمند حوادث روزمره و آنهم در يك مدت کوتاهي، متأسفانه بر اين ارزيابي اخير « جبهه... » هم ، با يك وضاحت باورنکردني صحه گذاشته است ؛ اثبات اين حقيقت را اينک در اعلاميه منتشره افرادي که خودشان را با پررويي کم نظير کماکان « هواداران جنبش انقلابي مردم افغانستان » معرفي مي نمايند، مطالعه مي نماييم:

(هجاما) نه تنها حضور اعضاي خودش بطور مثال - شخص شناخته شده اي بنام داود غني - را در ديدار و ملاقات جمعي از روشنفکران با سفير امريکا در کابل، انکار، و مصاحبه اش با بي. بي. سي را ناشنیده ميگيرد! نه تنها خودش و يارانش را « در تمام دوران حيات سياسي، يعني در طي دو نيم دهه گذشته » ، « علمبرداران واقعي و استوار مقاومت مردم عليه استعمار و ارتجاع » ، « نمايندگان با وفاي مشي مستقل ملي و انقلابي » ، و بلاخره « مدافعين سرسخت منافع زحمتکش ترين طبقات و اقشار جامعه » ميداند! بلکه نوشته رهياب

زیر عنوان « هذیان های فرهنگی » را تهمت و افترا به « سالم ترین خط سیاسی و تاریخی جامعه » یعنی همان خط (ساما و هجاما) معرفی نموده و آنرا حرکت آنهایی می داند که « آگاهانه یا نا آگاهانه آب به آسیاب خائنین می ریزند » ! بلاخره با چنین موضع گیری است که (هجاما) « عامل یا عاملین لجن پراگنی های نا بجا » را تهدید به **ترور** می نماید! و آنهم زمانی که میگوید « لجن پراگنی های نا بجا نه تنها دردی از آلام بی پایان جنبش را مداوا نخواهد کرد بلکه در **یک حرکت فزیک**ی - **منطقی** به مکدر شدن سیمای عامل و یا عاملین احتمالی آن خواهد انجامید » !!! . اگر از کلمات رکیک اعلامیه ای که بزدلانه آدرس خودش را هم - نه در پای اعلامیه و نه در پشت پاکت - قید نمی نماید بگذریم ، نکات محوری آن، همان میباشند که در این نامه نشانی شدند.

رفقا و دوستان؛

عکس العمل (هجاما) - چنانچه میدانیم - برای « جبهه... » یک امر غیر منتظره نمی باشد، زیرا از خائنین به انقلاب و ملت ، نمیشود هرگز انتظار و توقع دیگری نمود، آنها و همه مرتجعین مثل آنها ، بی تردید در وجود نیروهایی مثل « جبهه... » و ابزار های روشنگر مبارزاتی مثل « قطب نما » ، همواره مخل ترین و مزاحم ترین مانع ای را بر سر راه اعمال و سیاست های سازشکارانه و تسلیم طلبانه خویش نظاره می نمایند؛ نیرو هایی که بتأسی از درک رسالت تاریخی و به پیروی از اصول و موازین انقلابی ملی - دموکراتیک خویش - آنچنانکه درج پلتفرم و اساسنامه « جبهه... » میباشد، پیوسته و بدون هیچ تزلزلی، در دفاع از منافع توده های زحمتکش و تحت ستم جامعه اسیر و اشغال شده به عمل انقلابی روشنگرانه مباردت میوزند که مواضع عملی « جبهه... » و نوشته های « قطب نما » از جمله، همان نوشته رهیاب بعنوان « هذیان های فرهنگی » بیان گویای این واقعیت میباشند.

رفقا ؛

اینک توأم با این یادداشت ، نسخه های عکسبرداری شده از اعلامیه (هجاما) را که بدست ما رسیده است، برایتان ارسال نمودیم. از آنجاییکه تا نشست دیگر « جبهه... » هنوز روزهایی باقی مانده ؛ و از آنجاییکه « قطب نماي شماره هفتم » به زودی از چاپ بیرون خواهد آمد، هیئت تحریر لازم می بیند تا شما را بدینوسیله و سرفوت در جریان عکس العمل (هجاما) قرار داده و برای اتخاذ یک اقدام مقتضی در قبال آن ، نظریات شما را جویا شود؛ پیشنهاد رفقاییکه از اعلامیه مزبور اطلاع حاصل نموده اند، چون این اعلامیه رسماً و علناً توسط (هجاما) پخش گردیده است، اینست که ضمن چاپ خود اعلامیه در همین « قطب نماي شماره هفتم » ، همچنان موضعگیری « جبهه... » در قبال آن، نشر گردد؛ تحلیل مفصل اعلامیه (هجاما) که در این شماره برای آن، بعلت تراکم مطالب، جای وجود ندارد ، به شماره آینده موکول گردد که نوشته آنرا ، شخص رهیاب قبلاً متقبل گردیده است. لطفاً به هر وسیله ای که لازم می بینید (به سرعت) نظر تانرا پیرامون پیشنهاد ارائه شده توسط جمعی از رفقا، به اطلاع هیئت مسولان و هیئت تحریر رسانیده و ممنون سازید! افزون بر این، چنانچه پیشنهاد دیگری هم داشته باشید، آنرا به اطلاع خواهید رساند. قابل یادآوری است که برخی از

اعضای هیات مسولان و هیئت تحریر که در جریان اعلامیه (هجاما) قرار گرفته اند، موضعگیری « جبهه... » در قبال آنرا لازمی دانسته و پیشنهاد ارائه شده را می پذیرند.

با عرض درود های انقلابی

کمیته ملی و بین المللی

16 مارچ 2005